



## اهل ذمه (1)

پدیدآورده (ها) : ابراهیمی، محمد

علوم قرآن و حدیث :: نور علم :: فروردین 1368 - شماره 30  
از 48 تا 65

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/5904>

دانلود شده توسط : مرکز مشاوره

تاریخ دانلود : 04/03/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)



## اهل ذمّه

(۱)

محمد ابراهیمی

یکی از مهمترین مسائل در حقوق بین الملل خصوصی، کیفیت و چگونگی برخورد دولتها با گروهها و اقلیتهای موجود در جوامع می باشد، ضمن اینکه این بحث یکی از سابقه دارترین مسائل اجتماعی است که معمولاً در همه ادوار تاریخ و در همه نظامهای حقوقی مطرح بوده و در این زمینه روشهایی نیز به کار گرفته شده و خاطره های زشت یا زیبایی نیز در تاریخ به جای گذاشته است.

جامعه اسلامی و نظام حقوقی اسلام نیز به این موضوع اهمیت خاصی داده، چه در متن قانون و چه در مقام عمل، روش ارزنده ای را در زمینه روابط دولت اسلامی و افراد مسلمان با اقلیتهای موجود در قلمرو اسلام پیشنهاد کرده و به کار گرفته است.

ما در این بحث ترجیح می دهیم که برای روشن شدن هرچه بهتر امتیازات روش اسلام بر دیگر روشهای موجود در نظامهای حقوقی، در آغاز روشهای موجود در دیگر نظامهای حقوقی را از نظر تئوری و عمل مورد بررسی قرار دهیم و سپس به بیان روش اسلام و توضیح در این زمینه بپردازیم.

ولیکن قبل از شروع در این بحث توجه به یک نکته را لازم می دانیم و آن این است که مسئله اقلیت ها در گذشته به صورت دیگری غیر از آنچه امروزه با آن روبرو هستیم مطرح بوده است و به دیگر سخن این بحث نیز مانند بسیاری دیگر از مباحث حقوقی، دارای تحولات و سیر تکاملی بوده است. بدین معنی که امروزه بحث از اقلیت در حقوق بین الملل خصوصی به صورت زندگی افراد دارای چند مذهب و عقیده و نژاد در کنار یکدیگر همراه با تعاون و همکاری کامل آنان با یکدیگر مطرح است و به عبارت روشن تر

بحث در این است که اقلیت‌های موجود در یک جامعه از نظر حقوقی از آزادی و دیگر مزایای اجتماعی باید با اکثریت، همگون بوده و دولت و همه نهاد‌های اجتماعی نیز وابسته به اراده اقلیت و اکثریت، به صورت یکسان باشد.

در حالی که در گذشته این مسئله اصولاً به صورت تحت‌الحمایگی و پناهندگی پس از اعتراف به عجز در برابر دولت متبوع و سپردن تعهدات شدید و چشم‌پوشی از بسیاری از حقوق و مزایای اجتماعی و احیاناً آزادی مطرح بوده است.

زیرا اقلیتها در واقع کسانی بوده‌اند که در جنگها از گروه غالب شکست خورده و یا لاقبل مقهور قدرت اکثریت بوده و با دادن تعهدات در پناه همان گروه غالب زندگی نموده و یا به قدرت دیگری پناه آورده و همه گونه خدمت را برای آن قدرت پذیرا گشته و بیگانگانی فاقد اختیار و هرگونه اظهارنظر در اداره کشور به حساب می‌آمده‌اند.

### عامل یا عوامل این تحول چه بوده است؟

بعضی از نویسندگان را عقیده بر این است که هر چند حقوق طبیعی برای فرد در نظام حقوقی یونانیان و روم نیز وجود داشته، ولی رسمیت یافتن آن معلول حرکت علمی جهان در آغاز قرن ۱۷ میلادی است. که به علت پیشرفت ریاضیات و علوم طبیعی و زوال فئودالیسم، دانشمندان و فلاسفه فرصت یافتند تا مطالعه فلسفه رواقیون را از سر گرفته و آن را نشر و اشاعه دهند. در این بین سهیم «جان لاک» انگلیسی و «ژان ژاک روسو» فرانسوی از دیگران بیشتر بوده است.

جان لاک می‌گوید:

هر فرد انسانی از هر نژاد که باشد دارای حقوقی است که طبیعت از بدو تولد برای او شناخته و این حقوق قابل واگذاری نیست. نظریه لاک درباره وجود حقوق طبیعی نه تنها به دمکراسی انگلستان مفهوم جدیدی بخشید بلکه شرایط و موجبات درهم ریختن نظام کهن را هم فراهم آورد و با مهاجرت انگلیس‌ها به آمریکا انقلاب ۱۷۷۶ آمریکا رخ داد و مواد دو گانه حقوق بشر به قانون اساسی آن کشور افزوده شد و متعاقب آن انقلاب فرانسه واقع شد و انقلابیون فرانسه که دنباله‌رو فلاسفه‌ای مانند «روسو» بودند، نیز حقوق بشر مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹ را در یک مقدمه و هفده ماده تهیه و آنرا جزء لاینفک قانون اساسی سپتامبر سال ۱۷۹۱ قرار دادند.

چندی بعد که قانون اساسی ژوئن ۱۷۹۳ تصویب گشت علاوه بر اصول مندرج در اعلامیه حقوق بشر بازم حقوق دیگری از جمله حق پناهندگی به افراد اعطاء شد. این حقوق از طریق جنگ‌هایی که فرانسویان به راه انداختند به دیگر نقاط جهان نشر یافت و

کم و بیش در اکثر قوانین اساسی کشورها وارد گردید.  
پیشرفتهای بعدی این حقوق در عصر تأسیس سازمان ملل و صدور اعلامیه جهانی  
حقوق بشر تحقق یافت.<sup>۱</sup>

### نقد سخن فوق

حقیقت این است که حقوق بشر و آزادی اقلیتها به صورت فعلی آن، قبل از همه  
چیز مدیون افکار عالیه و نظام حقوقی اسلام بوده و دانشمندان قرن ۱۶ تا ۱۸ اروپا تا حد  
زیادی مجذوب حقوق الهی و انسانی اسلام بوده اند و به این مطلب در موارد بسیاری از  
کتاب خود تصریح نموده اند که به نمونه هائی از آن در همین فصل اشاره خواهیم داشت.  
و به دیگر سخن آئین اسلام بود که برای اولین بار در تاریخ حقوق، جامعه بشری را  
به عنوان امت واحد معرفی نموده که: **إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ**<sup>۲</sup> و  
شعارهای جهانی **قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا  
نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ**<sup>۳</sup> را  
مطرح کرد و امکان زندگی مسالمت آمیز همه ارباب ادیان و مذاهب در کنار یکدیگر و  
بدور از هر گونه تعصب منافی با حقوق بشر را فراهم آورد و با جمله **لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ**<sup>۴</sup> هر  
گونه جبر عقیدتی به ارباب ادیان را حرام ساخت و نه تنها با بیان **وَلَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا  
الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ**<sup>۵</sup> زمینه تعاون و همزیستی مسالمت آمیز را فراهم آورد  
بلکه با خطاب **وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ**<sup>۶</sup> روابط پیروان قرآن با اقلیت های  
مذهبی را تا سر حد پیمان زناشویی و وحدت خانوادگی، مستحکم ساخت.

.....

- (۱) کتاب پناهندگی سیاسی و تحولات آن در قرن بیستم نوشته سیل محمد باقر عطیه ص ۱۶ تا ۱۸.
- (۲) (انبیاء/ ۹۲) این شریعت شماست، شریعتی یگانه ومن پروردگار شمایم پس مرا پرستید.  
همانگونه که علامه طباطبائی (ره) در المیزان ج ۱۴ ص ۳۲۲ می گوید: امت در آیه فوق، جامعه بشری است نه  
جامعه مسلمین و این مهمترین اصل در تشکیل جامعه جهانی محسوب می گردد و بالطبع اصل اساسی در حقوق  
بین المللی است.
- (۳) (آل عمران/ ۶۴) بگو: ای اهل کتاب بیاید از آن کلمه ای که پذیرفته ما و شماست پیروی کنیم،  
آنکه جز خدا را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سواء خدا به پرستش  
نگیرد اگر آنان رویگردان شدند بگوئید شاهد باشید که ما مسلمان هستیم.
- (۴) بقره / ۲۵۶.
- (۵) (مائده/ ۵) طعام اهل کتاب بر شما حلال است و طعام شما نیز بر آنها حلال است.
- (۶) (مائده/ ۵) و زنان پارسای اهل کتاب... (بر شما حلالند).

و سرانجام با خطاب: لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَا يَخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ<sup>۷</sup> امکان زندگی مسالمت آمیز با همه ملل جهان را برای مسلمین فراهم آورد و مشروعیت هرگونه عمل انسانی و عاطفی را نسبت به همه انسانها امضاء فرمود.

اسلام نه تنها در مقام ثوری بلکه در مقام عمل نیز احترام به حقوق دیگران را سرمشق قرارداد و لذاست که در طول ۱۴ قرن که از پیدایش اسلام می‌گذرد هنوز جوامع اسلامی اقلیتهای زیادی را در داخل خود حفظ نموده و قانوناً به هیچ فرد مسلمانی اجازه تجاوز به حقوق آنان را نداده است.

این سیره حسنه و دوام و استمرار عملی آن، همراه با بیان صریح قرآن و حدیث نبوی و گفتار معصومین کم کم موجب گردید جوامع دیگر نیز از روش اسلام اثر پذیرفته و با سعه صدر، حقوق اقلیتهای را کم و بیش محترم شمارند ولی تا زمانی که در غرب، نهضت انگیزیسون وجود داشت و به تعبیر صحیح تر، قدرت در اختیار پاپ و کلیسا بود، تعصبات دینی و عقیدتی آنان مانع پذیرائی روش انسانی اسلام بود تا آنگاه که قدرت پاپ فروکش کرد و دانشمندان غرب آزادانه با الهام از ارزشهای الهی اسلام، حرکت جدیدی را شروع نمودند.

و اینک نمونه‌هایی از اعترافات دانشمندان غربی که نقش اساسی را در انقلابات غرب ایفا کرده‌اند: ولتر دانشمند معروف فرانسوی که افکارش بی تردید در انقلاب فرانسه و دیگر انقلابها تأثیر فراوانی داشته است شدیداً مجذوب حریت و آزادی عقیدتی در حقوق اسلام قرار گرفته و ضمن سخنانش همیشه بر مزایای حقوق اسلامی و انحرافی بودن حقوق مسیحیت تأکید داشته است.

نویسنده کتاب اسلام از دیدگاه ولتر می‌گوید:

ولتر آیاتی را که در ستایش همزیستی مذهبی است از قرآن می‌شناخته و «جرج سیل» الهام دهنده او این آیات را بطور مشروح و مفصل تفسیر می‌کند و حتی تاریخ نزول آنها را در زیرنویسهای کتابش شرح داده است.

مأخذ دیگر ولتر در باره آسان گیری مذهبی مسلمانان سفرنامه «شاردن» و بخصوص کتاب مستند «پل ریکو» تحت عنوان «وضع کنونی امپراطوری عثمانی» بوده است. بنابراین ستایش ولتر از مسلمانان برای نکوهش مسیحیان نبوده و اگر در برابر

.....

(۷) (ممتحنه/ ۸) خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما درین نجاتگده اند و از سرزمینتان بیرون نرانده اند باز نمی‌دارد، خدا کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند دوست دارد.

نارواییهای کسانی که «کالاسها»، «لابارها» و «سیرون‌ها» را به زشت‌ترین شکنجه محکوم می‌کردند از نوع دوستی پیروان محمد(ص) سخن می‌گفت، جز نابودی ننگ هدف دیگری را نیز دنبال می‌نمود: او حقیقت‌پنهان شده‌ای را هویدا می‌ساخت.<sup>۸</sup>  
ولتر می‌گفت:

تمام مذاهب و ادیان روی زمین به همین طریق با عوام‌فریبی و زبان‌بازی رواج یافته‌اند بجز دین اسلام که از میان همه ساخته‌های دست بشر، تنها دین خدائی به نظر می‌رسد زیرا قوانین محمد(ص) پس از گذشت قرن‌ها هنوز در سراسر دنیا عیناً به مورد اجرا گذاشته می‌شود و «قرآنش در آسیا و آفریقا همه جا دستورالعمل همه مسلمانان است» دین اسلام وجود خود را به فتوت و جوانمردی‌های بنیان‌گذارش مدیون است در صورتی که مسیحیان با کمک شمشیر و تلّ آتش آئین خود را به دیگران تحمیل می‌کنند...  
پروردگارا کاش تمام ملت‌های اروپا روش ترکان مسلمان را سرمشق قرار می‌دادند.<sup>۹</sup>

ولتر همچنین می‌گفت: محمد(ص) قانون‌گذاری خردمند بود که می‌خواست بشریت را از بدبختی و جهل نجات دهد. برای برآوردن آرزوی خویش، او منافع همه مردم روی زمین را، از زن و مرد و کوچک و بزرگ، عاقل و دیوانه، سفید و سیاه، زرد و سرخ را در نظر گرفت... ص ۱۰۳ از کتاب اسلام از دیدگاه ولتر.  
دیگر رهبران انقلاب اروپا نیز هریک به گونه‌ای مجذوب قوانین اسلامی قرار گرفته و در اصلاحات اجتماعی و طرح‌های سازنده خود از آن کمک گرفته‌اند.  
یکی دیگر از دانشمندان مشهور اروپا «برناردشوا» انگلیسی است. او در کتاب «دخترک سیاه در جستجوی خدا» می‌نویسد:

ششصد سال بعد از عیسی (ع)، محمد(ص) اسلام را به جهانیان عرضه نمود و قدم بسیار بزرگی بسوی توحید برداشت... با اینکه محمد(ص) با کمال امانت و صداقت، مخالف آن بود که به او جنبه «فوق بشری» داده شود اما باز پاره‌ای از پیروانش برای او مقام فوق بشری قائل شده‌اند. از این جهت باید شخصیت حقیقی محمد را نیز از نو کشف کرد تا اسلام دوباره به صورت یک ایمان زنده به جهان باز گردد.  
و هم او در مقدمه کتاب «محمد پیامبر خدا» نوشته یک دانشمند پاکستانی می‌نویسد:

.....

(۸) اسلام از نظر ولتر ص ۹۲ چاپ کانون انتشارات جوان، بهمن ۱۳۵۱.

(۹) منبع پیشین ص ۸۶.

من همیشه نسبت به دین محمد بواسطه خاصیت زنده بودن شگفت‌آورش، نهایت احترام را داشته‌ام. به نظر من اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط برحالات گوناگون و صورمتغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد من چنین پیش‌بینی می‌کنم و از هم اکنون هم آثار آن پدیدار شده است که ایمان محمد(ص) مورد قبول اروپای فردا خواهد بود. روحانیون مسیحی قرون وسطی در نتیجه جهالت یا تعصب، شیخ تاریکی از آئین محمد را رسم می‌کردند او به چشم آنها از روی کینه و عصبیت، ضلمسیح جلوه کرده بود. من در بساطه این مرد فوق‌العاده، مطالعه کردم و به این نتیجه رسیدم که نه تنها محمد ضد مسیح نبوده بلکه باید ناجی بشریت نامیده شود.

به عقیده من اگر مردی چون او صاحب اختیار دنیای جدید شود طوری در حل مسائل و مشکلات دنیا توفیق خواهد یافت که صلح و سعادت آرزوی بشر تأمین خواهد شد.<sup>۱۰</sup>

و بالأخره مارسل بوآذر در کتاب اسلام و حقوق بشر می‌گوید:

نظرگاه جهانی اسلام با دو امتیاز نیرومند، درخشش ویژه دارد نخست ایمان به خدا و دوم انکار هرگونه برتری قومی و نژادی و تأکید بر برابری انسانها. با اعلام این اصول، پیامبر(ص) توانسته عصبیت قومی و نژادی عرب جاهلی و اقوام یهود و مشرکان مکه را ریشه کن سازد. هیچ دیانتی به اندازه اسلام به فرد بشر شخصیت نداده است.<sup>۱۱</sup>

و هم او در جاری دیگر می‌نویسد: «رفتار پیامبر(ص) با اقوام یهود و نصاری برادرانه بوده است در این باره حکایت‌هایی بسیار نقل شده که تنها به ذکر یکی از آنها اکتفاء می‌کنیم:

روزی پیامبر(ص) در تشییع جنازه یکی از یهودیان مدینه شرکت کرده بود. گروهی از صحابه نیز همراه او بودند و از اینکه پیامبر(ص) جنازه فردی یهودی را تشییع کرده، ناخشنودی خود را ابراز می‌داشتند پیامبر(ص) اصحاب خود را مخاطب قرار داده پرسید: آیا این یهودی انسان نبوده است؟! و یاران او خاموش شدند.<sup>۱۲</sup>

(۱۰) منبع پیشین ص ۱۳ و ۱۴

(۱۱) ترجمه دکتر محسن مؤیدی ص ۱۰۲

(۱۲) همان مدرک ص ۱۰۴ ظاهراً نظر نویسنده فوق به روایتی است که بخاری در صحیح آورده:

كَانَ سَهْلُ بْنُ حُنَيْفٍ وَ قَيْسُ بْنُ سَعْدِ قَاعِدَيْنِ بِالْقَادِسِيَّةِ فَمَرُّوْا عَلَيْهِمَا بِجِنَاةٍ فَقَامَا فَقِيلَ لَهُمَا إِنَّهُمَا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ أَيْ مِنْ أَهْلِ الْيَمَمَةِ فَقَالَا إِنَّ الْكِنْبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّتْ بِهِ جِنَاةٌ فَقَامَ فَقِيلَ لَهُ إِنَّهَا جِنَاةٌ يَهُودِيٌّ فَقَالَ أَلَيْسَتْ نَفْسًا؟

باب من قام لجنازة يهودی (ج ۱ ص ۲۲۸).

و در جای دیگر از همین کتاب می‌خوانیم:

در مورد پیروان ادیان الهی باید گفت که اصولاً اسلام آنان را مورد حمایت خود به معنای واقعی قرار داده و امنیت کاملی در جامعه اسلامی دارند. می‌توانند مطابق دستورات دین خود آزادانه عمل کنند مخصوصاً که در قرآن نیز رعایت حقوق آنان توصیه شده است اسلام در پذیرفتن این اقوام هدف سیاسی نیز داشته است و آن گسترش جامعه اسلامی است زیرا از دید قوم شناسی، یهودیان و عیسویان نظیر مسلمانان اولیه از سلاله ابراهیم پیامبرند و در حقیقت همگی از نظر نژادی و فرهنگی شباهتهائی با یکدیگر دارند. در تورات ظهور اسلام پیش‌بینی شده و بین یهودیان و مسلمانان روابط نزدیکی از ابتدای دعوت پیامبر وجود داشته است.

در اجرای هدف فرهنگی و سیاسی خود، اسلام علاوه بر آنکه به پیروان ادیان الهی آزادی‌ها و امتیازاتی داده، برای جلب بیشتر اقوام و سایر ملتها در آداب و فرائض دینی آسانگیری‌هایی را رعایت کرده است.

این تساهل دینی در مسیحیت و یهود مطلقاً وجود نداشته و مخصوصاً پیروان دین یهود ناگزیر از انجام فرائض بسیار سخت و توان‌فرسا بوده‌اند.

در دیانت یهود برتری نژادی وجود دارد و در برادری مسیحیت رابطه الهی بر جنبه‌های عملی آن در زندگی اجتماعی غلبه یافته و در شرایط امروز قابل اجراء نیست. اما در دیانت اسلام این افراط و تفریط به چشم نمی‌خورد... اسلام در صدد ساختن جهانی است که همه مردم حتی آنان که به دین سابق خویش وفادار مانده‌اند با تفاهم و همکاری و برادری و برابری کامل زندگی کنند.

و بالاخره همان‌گونه که مترجم در مقدمه کتاب می‌گوید: این نکته قابل دقت است که به عقیده مارسل بوآزار ترجمه مبانی و اصول حقوق اسلام در قرون وسطی دست مایه فلاسفه و حقوقدانان مغرب زمین در تدوین ضوابط و قوانین مربوط به عدالت اجتماعی و صیانت حقوق مستضعفان در برابر مستکبران گردیده است به جرأت می‌توان گفت که شریعت اسلام بنیان‌گذار مبانی حقوق بین‌المللی در جهان است.<sup>۱۳</sup>

آنچه گفته شد نمونه‌ای از اعتراف دانشمندان اروپا بر توجه مخصوص و شیفتگی آنها نسبت به حقوق اسلام در بسیاری زمینه‌ها و بخصوص بخش حقوق بشر بود که در اینجا آوردیم.

پس با توجه به اعتراف دانشمندان اروپائی بنیان‌گذار صلح ادیان و زندگی

.....

(۱۳) منبع پیشین ص ۱۰۵.



مسالمت آمیز ملل در کنار یکدیگر، اسلام و سیره عملی رهبران آن می‌باشد ولی با نهایت تأسف بعضی از حقوقدانان مسلمان احیاناً از این واقعیت بی‌خبر بوده و احیاناً حقوق بشر را محصول تلاش غریبان و از ثمرات زنسانس معرفی کرده‌اند.

در اینجا ممکن است سؤالی مطرح گردد که چه عاملی این گرایش دانشمندان قرن ۱۶ تا ۱۸ را تحت الشعاع قرار داد و چرا چنین اعترافات در سخنان دانشمندان قرون بعد به چشم نمی‌خورد؟<sup>۱۴</sup>

پاسخ این سؤال جای مناسب دیگری بایستی داده شود ولی به صورت اجمال می‌توان گفت:

(۱۴) از دلایل روشن بر دنیا به روی دانشمندان غرب از اسلام در زمینه حقوق بین الملل همین است که به اعتراف حقوقدانان غرب پدر حقوق بین الملل «گروسوس هلندی» از دانشمندان قرن ۱۶ اروپاست که در این زمینه کتابی تحت عنوان «جنگ و صلح» تلویحاً نموده. در حالیکه به اعتراف همگان دانشمندان مسلمان در زمینه روابط خارجی مسلمان تحت عنوان سیره و جهاد، کتب متعددی را از همان قرن اول هجرت تلویحاً نموده‌اند. و این از ابتکارات مسلم مسلمانان است. به عنوان نمونه به بعضی از این کتب اشاره می‌نمایم.

نخستین کتاب در این زمینه «سیر» متعلق به زید بن علی بن الحسین (علیهما السلام) ضبط گردیده است که شهادت او در سال (۱۲۲ قمری) بوده. نسخه خطی کتاب «المجموع» زید (ع) در کتابخانه «آمبروزیان» ایتالیا موجود است و بوسیلهٔ پروفیسور حمدالله در سال (۱۹۱۹ میلادی) بازنویسی شده است. گذشته از اینکه در کتاب مسند امام زید نیز بحث «سیر» از ص ۳۱۳ تا ۳۲۵ نوشته شده است.

دومین کتاب در این زمینه ظاهراً متعلق به «اوزاعی» است که از فقهای مشهور اهل سنت و معاصر با ابوحنیفه بوده است و ابوحنیفه بر کتاب «سیر» اوزاعی ردی نوشته و گفته است که اوزاعی اولین کسی است که به شرح یک رشته از اصول و قواعد حاکم بر روابط خارجی مسلمانان پرداخت و نخستین کسی است که روابط بین الملل اسلامی را بگونه انسجام یافته‌ای بررسی کرده است.

و دیگر کتابی که در این زمینه تلویحاً گردیده است کتاب «الخراج» قاضی ابویوسف است که تاکنون بارها به چاپ رسیده است او که شاگرد ابوحنیفه بود در این کتاب از نظریات استادش دفاع نموده است.

و دیگری «ابو اسحاق خزّاری» متوفای (۱۸۶ قمری) است که کتابی در زمینه «سیر» تلویحاً نمود و دیگر کتاب «الخراج» از یحیی بن آدم القرشی است که در دوران مأمون عباسی تلویحاً نموده است و از جمله کتب اولیه در زمینه حقوق بین الملل کتاب «السیر الکبیر» متعلق به محمد بن حسن شیبانی از شاگردان ابوحنیفه امام فقه حنفی است که سرخسی در قرن چهارم شرحی به آن نوشته است.

این کتاب هنگامی که در سال (۱۸۲۵ میلادی) به چاپ رسید «ژوزف همرفون پورگشتال» در مقام ستایش، شیبانی را گروسوس اسلام خواند و هنگامی که شرح «سرخسی» به این کتاب در سال (۱۹۱۷ م) در چهار جلد در حیدرآباد به چاپ رسید هانس کروسه بار دیگر لقب گروسوس اسلام را برای او تکرار کرد و انجمنی به عنوان انجمن حقوق بین المللی شیبانی در سال (۱۹۵۵ م) تأسیس کرد.

**اولاً:** عامل این فراموشی اختلافات داخلی خود مسلمانان بوده است. بدین معنی که با نابودی دستگاه خلافت و تجزیه جهان اسلام به کشورهای کوچک و مقهور شدن آنان در برابر قدرت و پیشرفت تمدن و علوم غرب، قدرت عرضه اسلام نیز از مسلمین سلب گردید و بالنتیجه افتخارات گذشته مسلمین نیز به فراموشی سپرده شد چه اینکه در قرون وسطی و بلکه تا قرون اخیر، جهان غرب به مسلمین به عنوان یک قدرت بزرگ و دارای تمدن و علوم بسیار که ایده آل آن زمان جهان غرب بود، می‌نگریستند ولی دانشمندان بعدی غرب در شرایط بهتری می‌زیستند و خود را در برابر ملیتی شکست خورده می‌دیدند و از طرفی به خاطر اینکه به اهداف سیاسی خود دست یافته‌اند، اکنون دیگر ضرورتی برای چنین اعترافاتی احساس نمی‌کنند.

**ثانیاً:** غرب در حال حاضر خود را رهبر جهان متمدن می‌داند و کوشش می‌کند تا آنجا که ممکن باشد افتخارات موجود جهان را که نتیجه مبارزات تاریخی انسانها در زمینه‌های علمی و فرهنگی و اجتماعی است به خود مستند نماید و به دیگر سخن گرایش جدید جهان غرب بر این است که خود را مؤسس علم و تمدن جدید معرفی نماید و لذاست که اعترافات فوق‌الذکر را منافی با این هدف و ضمناً آنرا منافی با دنباله روی جهان سوم از قدرتهای بزرگ معاصر می‌داند و به همین جهت می‌کوشد که افتخارات گذشته به فراموشی سپرده شود. فی المثل اصرار بر این مطلب که پدر جامعه شناسی «اگوست کنت» است نه ابن خلدون و پدر شیمی فلان دانشمند غربی است نه جابر بن حیان و... معلول گرایشهای قرون اخیر است و در گذشته که غرب در چنین شرایط غنای سیاسی و علمی قرار نداشت و دنباله رو علمی دیگران به حساب می‌آمد اصراری بر مخفی نمودن افتخارات دیگران نداشت.

### اقلیتها در نظامهای حقوقی دیگر در طول تاریخ

همانگونه که قبلاً اشاره نمودیم وضع زندگی اقلیتها در جوامع گذشته معمولاً به صورت پناهندگی سیاسی و یا اعتراف به شکست و تسلیم محض سپری می‌شده است. اکنون در توضیح این مطلب نمونه‌هایی از تاریخ ملل می‌آوریم. یادآور می‌شویم که آنچه در اینجا مورد بحث ماست زندگی آزاد یک اقلیت در داخل کشور، همانند اکثریت است ولی مسئله پناه دادن و دفاع از پناهنده اختصاص به اسلام نداشته بلکه در بسیاری از مکاتب و در بین ملل زیادی وجود داشته است گو اینکه در همین مسئله نیز امتیازات و ویژگی‌هایی مخصوص در آئین اسلام وجود دارد که در بحث از مستأمنین به آن اشاره خواهد شد.

## اقلیتها در یونان

هر چند در بررسی مکتب حقوق فطری آمده که این مکتب در میان یونانیان طرفدار زیادی داشته و فلاسفه بزرگی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو از آن بحث نموده‌اند ولی حقیقت این است که اعتقاد به حقوق طبیعی نیز همیشه به معنای احترام به حقوق اقلیتها و گروه‌های ضعیف جامعه نبوده است، بلکه بسیاری و از جمله یونانیان تمام هدفشان از طرح حقوق فطری، لزوم برخورداری آزادگان (یونانیان) از این حقوق بوده و غیر یونانیان ازهر نژاد و ملت را مشمول این طرح نمی‌دانسته‌اند.

گذشته از اینکه فلاسفه یونان همگی حقوق فطری را به معنای پای بندی به ارزشهای انسانی و مراعات اصل برادری و برابری نمی‌دانسته‌اند بلکه اصولاً حقوق فطری را به معنای حق تسلط قوی بر ضعیف و تسلیم در برابر سنن طبیعی مثل تضاد و تعارض انواع و... معرفی می‌کرده‌اند.

از این جهت در یونان، بیگانگان عموماً از حقوق افراد یونانی برخوردار نبوده و تصور برابری با آنان را نیز نداشته‌اند ولی در عین حال تفاوت‌هایی در حقوق بین اقلیتها نیز وجود داشته است.

بطور کلی بیگانگان در یونان به سه دسته کلی تقسیم می‌شده‌اند:

۱- آنان که به موجب معاهدات و قوانین کشوری وارد یونان می‌شدند.

۲- آنان که اجازه توقف موقت در یونان را داشته‌اند.

۳- بربرها که به اعتقاد یونانیان در زمره ملل وحشی بوده‌اند.

دسته اول دارای پاره‌ای از حقوق و مزایا بوده‌اند که از جمله آن حق طرح دعوی در دادگاهها و محاکمه در صورتی که مورد تجاوز قرار می‌گرفتند و دیگر حق ازدواج با زنان یونانی و داشتن اموال منقول بوده است.

مجازاتاتی که برای یک فرد یونانی در مقابل تجاوز به حقوق بیگانه‌ای در نظر گرفته می‌شد با مجازات همان تجاوز نسبت به حقوق یک فرد یونانی متفاوت بود. فی‌المثل اگر یک فرد یونانی بیگانه‌ای را به قتل می‌رسانید مجازات او در صورتی که دادگاه در این زمینه تصمیمی می‌گرفت تنها تبعید بود.

گروه دوم نیز چون بر اساس قانون و اراده دولت به آنها اجازه توقف موقت در یونان داده شده بود دارای حقوقی مشابه حقوق افراد فوق بودند.

و اما دسته سوم که همان بربرها بودند و شاید در مواردی اکثریت جمعیت کشور یونان را نیز تشکیل می‌داده‌اند دارای هیچ گونه حقوق و امتیازی نبوده و همانند حیوانات از

آنها استفاده می‌شده و متأسفانه این عمل را حق طبیعی خویش می‌دانسته‌اند.<sup>۱۵</sup>  
عجیب‌تر این است که این روش غیر انسانی احیاناً بوسیلهٔ فلاسفهٔ بزرگی مانند  
ارسطو و... نیز توجیه عقلاتی می‌شده تا آنجا که حتی عدالت را به معنای اشتغال هر فرد  
به کار مناسب خود می‌دانسته‌اند و مقصودشان سروری آزادگان (یونانیان) و برده بودن همهٔ  
انسانهای دیگر بوده است.

به عنوان نمونه ارسطو در کتاب «سیاست» تحت عنوان خدایگانی و بندگی،  
بخشی را مطرح نموده و نظریه‌ای را که معتقد است تفاوت خدایگان از بنده، معلول قانون و  
سنت غلط بوده و آن را ناروا و ظلم می‌داند، رد می‌کند و می‌کوشد که این تفاوت را مطابق با  
طبیعت عدالت معرفی نماید و سرانجام نتیجه می‌گیرد که بردگان و همهٔ افرادی که به  
صورت وابسته به دیگران زندگی می‌کنند ابزاری برای وصول به اهداف اقتصادی و  
اجتماعی آزادگان محسوب بوده و طبیعت نیز آنان را برای همین هدف بوجود آورده و قهراً  
در صورتی که بخواهند از هدف آفرینش خود سرباز زنند حق طبیعی قدرتمندان است که  
آنها را با جنگ و کشتار تسلیم خویش سازند.<sup>۱۶</sup>

نا گفته پیداست که هر ملت و جامعه‌ای که دارای چنین بنیاد فلسفی بوده و  
روابط اجتماعی را اینگونه ترسیم نماید از او توقع ملاحظهٔ حقوق اقلیت‌های نژادی و قومی و  
مذهبی را نمی‌توان داشت و حقیقت این است که در طول تاریخ در همهٔ کشورهای جهان و  
بخصوص جهان غرب عملاً همین فکر بکار گرفته شده و در صورتی که در سیاست جهان  
معاصر نیز دقت شود به وضوح دنباله‌روی آنان از همین فکر مشهود است. نویسنده کتاب  
«روابط بین‌المللی» می‌نویسد:

روابط منظم فقط بین کشورهای یونانی برقرار بود. سایر اقوام و ملل را یونانیها  
«باربار» می‌خواندند و آنها را وحشی و دشمن طبیعی یونانیان می‌دانستند... یونانیان  
تحت تأثیر تعالیم فلاسفه‌ای مانند افلاطون و ارسطو برای نژاد خود، بردیگران برتری قائل  
بودند و دیگران را محروم الحقوق می‌پنداشتند و وظیفهٔ سیاسی خود می‌دانستند که آنان را  
مطیع و منقاد خویش سازند.<sup>۱۷</sup>

\*\*\*

(۱۵) رجوع شود به کتاب پناهندگی سیاسی نوشتهٔ سیدباقر عطیه ص ۳۲ و ۳۳.

(۱۶) جهت اطلاع بیشتر رک «سیاست» ترجمهٔ حمید عنایت ص ۷ تا ۱۲ چاپ شرکت سهامی

کتابهای جیبی سال ۱۳۵۸.

(۱۷) دکتر احمد متین‌دفتری، روابط بین‌المللی ص ۱۷۱.

## اقلیتها در روم

رومیان با آنکه برای بیگانگان حقوقی قائل نبودند لیکن به خاطر تمایلات جهانگشایی و درک این مطلب که برای اداره سرزمین های مفتوحه باید معتقدات ملل مغلوب را محترم داشت، اصلاحاتی در قوانین خود انجام داده بودند. بیگانگان در جامعه رومی به سه دسته تقسیم می شدند و برای هر دسته براساس میزان دوری و نزدیکی سرزمین آنان به کشور روم، حقوقی متفاوت قائل بودند:

- ۱ - اهالی کشورهای مفتوحه که حقوق آنان در حد همزیستی و ازدواج و قضاوت خواستن از محاکم در موارد نزاع بود.
- ۲ - افرادی که با دولت روم معاهداتی داشته و یا مهاجر بودند و همچنین بردگانی که آزاد شده بودند، حقوقی نازل تر از گروه اول داشتند.
- ۳ - دسته دیگر بربرها بودند که دارای هیچ حقوقی نبوده و نسبت به آنها بدخواه عمل می شده است.<sup>۱۸</sup>

پس از آنکه قیصر روم «کنستانتین» به مسیحیت گروید و این مکتب آئین رسمی کشور روم گردید تعصبات بت پرستانه رومیان تحت لوای حمایت از مسیحیت اعمال شد و پیروان مذاهب دیگر و بخصوص یهودیان مورد تعقیب و آزار و در مواردی قتل عام شدند. روش آنان با زردشتیان نیز چندان بهتر از این نبود و به همین جهت در بعضی از معاهدات صلحی که بین ایران و روم به امضاء رسید آزادی مذهبی پیروان زردشت از فقرات مهم عهدنامه بوده است.

مؤلف «تاریخ دواقلیت مذهبی» می نویسد:

در زمان بهرام گور، مسیحیان ایرانی از آزار «مغها» به بیزنس فرار کردند، بهرام استرداد آنها را از دولت روم خواست و آنها پذیرفتند و جنگی در گرفت و بی نتیجه ماند و در عهدنامه ای که به همین مناسبت برای مدت صد سال منعقد گردید آزادی مذهب عیسویان در ایران و مذهب زردشتی در روم یکی از مواد مهم عهدنامه بود.<sup>۱۹</sup>

و نویسنده کتاب «روابط بین المللی» می نویسد:

روم با مللی که جرأت می کردند از استقلال خود دفاع نمایند می جنگید و وقتی آنان را مغلوب می کرد با نهایت درجه بی رحمی و شقاوت رفتار می کرد. روم طاقت نداشت ملتی را با خود رقیب و برابر ببیند. روم می خواست در اطراف خود همه ملل و اقوام را به

.....

(۱۸) پناهندگی سیاسی ص ۳۳ به بعد. (۱۹) دکتر محمدعلی تاج پور ص ۲۶۵.

حال بردگی نگاه دارد و موطن آنان را ضمیمه امپراطوری خود کند و «پرکنسولها» یعنی ولات او همه جا غارت بکنند... عهدنامه‌های حقوقی نیز برای رومیان اعتبار حقوقی نداشت و به مقتضیات سیاسی عهدنامه‌ها را هر طور که می‌خواستند تعبیر و تفسیر می‌کردند. در روابط بین الملل، اساس، معامله متقابل است ولی روم زیر بار آن نمی‌رفت و برای ملل خارج از قلمرو خود اصلاً حقوقی قائل نبود و فقط برای ملل مغلوب تکالیفی وضع می‌کرد.<sup>۲۰</sup>

وژان ژاک روسودر «قرارداد اجتماعی» می‌نویسد:

مبلغین هر کیش منحصراً دول فاتحی بودند که آن کیش را برای ملل مغلوب می‌آوردند و چون مغلوبین فقط مجبور بودند تخیر مذهب بدهند... رومیان قبل از اینکه شهری را تصرف کنند به خدایان آن شهر امر می‌دادند شهر را تخلیه کنند.<sup>۲۱</sup>

### اقلیتها در جوامع مذهبی

مهمترین آئین مذهبی بعد از اسلام آئین یهود و مسیحیت است چه اینکه دیگر آئینهای مذهبی را، بعضی از محققین هر الهی بودن آن تردید نموده‌اند.

قرآن کریم هر چند از صابئین و مجوسی نیز همچون مسیحیت و یهودیت یاد می‌کند ولی از بعضی آیات قرآن مثل آیه ۱۵۶ از سوره انعام *أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَي طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَ...* ۲۲ استفاده کرده‌اند که قرآن عنوان اهل کتاب را در یهود و نصاری به کار گرفته و بنابراین پیروان مذاهب دیگر اهل کتاب نیستند ولی اکثریت فقهاء و بخصوص فقهاء امامیه زردشتیها را نیز دارای آئین الهی و اهل کتاب می‌دانند و اما صابئین را نیز در صورتی اهل کتاب می‌دانند که ثابت شود پیرو یکی از آئین‌های فوق هستند.

به هر جهت ما موقعی که به این مذاهب و منابع آن و سیره تاریخی پیروان آن می‌نگریم به روشنی ملاحظه می‌کنیم که در هر یک از این آئین‌های اصالتاً آسمانی، حقوق و امتیازی که لازمه زندگی یک انسان است برای اقلیت‌ها ذکر نکرده‌اند.

آئین اوستا

از آئین اوستا هر چند چیزی که بتواند چگونگی این آئین را حتی به صورت کلی و

.....

(۲۰) تألیف دکتر متین دفتری ص ۱۷۳.

(۲۱) ترجمه زیرک زاده ص ۱۹۴.

(۲۲) تا نگوئید که تنها بر دو طائفه‌ای که پیش از ما بودند کتاب نازل شده و...

اجمالی برای ما بازگو کند، وجود ندارد و پیروان آن را عقیده بر این است که اوستای موجود تنها بخش ناچیزی از کتاب اولیه آنان بوده و از طرفی همه مطالب موجود در اوستا نیز گفته زردشت نیست و تنها بخش «گاتها» احتمالاً سخن زردشت است ولی در عین حال در همین بخش باقی مانده نیز مطالبی به چشم می خورد که حاکی از آن است که در این آئین نیز اقلیتها و به طور کلی غیر از مزداپرستان (پیروان زردشت) دارای حقوق انسانی نبوده اند.

این مکتب جنگ و تضاد بین خوبیها و بدیها (نور و ظلمت) را پایه و اساس ایدئولوژی خویش قرار داده و تضاد بین پیروان خوبی (مزداپرستان) و پیروان بدی (همه انسانهای دیگر) را نیز جدی گرفته و جنگ و ستیز بین آنان را غیر قابل اجتناب می داند. به عنوان نمونه در کتاب «بیسنا» چنین آمده است: «آنچه را من برای خود آرزو می کنم باید کاملاً قانونی باشد و تجاوز از این حدود را مجازات بسیار شدیدی قائل خواهم بود.»

در سایر قطعات نیز مطالبی شبیه به این به چشم می خورد که نشان می دهد، مؤسس آئین زردشتی، مسلک خود را عالیترین طریقه ها دانسته و معتقد است آنچه او دستور می دهد باید مانند قانون کشوری آن هم به صورت جبر و تهدید اجراء گردد<sup>۲۳</sup>.

«ژان وارن» اوستاشناس فرانسوی می نویسد:

فقط تنها مسئله ای که میسلم است، رسمیت یافتن آئین زردشت در دوران ساسانیان بود. این رسمیت هم به طوریکه می دانیم به قدری گسترش داشت که در آن زمان دولت وقت بسیاری از مسیحیان و مادودیان را در کشور خود به نام کفار و خارج از دین به قتل می رسانید. در نظر آنها چنین وانمود می کرد که کلیساهای مسیحی یا سایر ملل، استقلال آنانرا تهدید می کنند. «کاری» که یکی از وزرای متعصب در دوره ساسانی بود، در زمان اردشیر و شاپور با تعصب تمام رفتار می کرد. و هم او بود که دستور دستگیری مانی را صادر کرد و او را به قتل رساند. جانشین او «آتوریات» در زمان شاپور دوم چنان تعصبی نشان می داد که سرهای قربانیان مسیحی را در قدم آهورا مزدا به زمین می ریخت.

از این نمونه ها بسیار زیاد است زیرا با توجه به دستورات زردشت که گفته بود: شیران بایستی قتل عام شوند، سازمان اجرای عدالت ساسانیان با سختی تمام دستورات او را به موقع اجراء می گذاشتند<sup>۲۴</sup>.

نویسنده «تاریخ یهود در ایران» می نویسد:

.....

(۲۳) کتاب زردشت چه میگوید، تألیف ژان وارن، ترجمه عنایت الله شکیبپور صفحه ۵۹.

(۲۴) همان منبع ص ۹۴.

در عهد فیروز پادشاه ساسانی در اثر تحریک مؤبدان به خاطر یک افتراء واهی مبنی بر اینکه یهودیان اصفهان دو مؤبد را کشته اند، فرمان قتل عام یهودیان این شهر صادر گردید و بیش از نیمی از یهودیان را به قتل رسانیدند و اطفال را نیز ربودند و در سراسر ایران تا بابل همین رویه سرایت کرد و بعضی، علت مهاجرت یهودیان به عربستان و هندوستان را نیز همین امر دانسته اند.<sup>۲۵</sup>

نویسنده «دو اقلیت مذهبی در ایران» می نویسد:

تعصب مذهبی مفاها تا آنجا شدت داشت که یزدگرد اول هنگامی که به مسیحیان شاید به ملاحظات سیاسی آزادی نسبی داد او را به گناهکار ملقب ساختند.<sup>۲۶</sup>

ازواج با اقلیت ها برای پیروان زردشت ممنوع بوده است و به همین جهت ازدواج خسرو پرویز با شیرین دختر مسیحی، قانون شکنی معرفی شد و منشأ تحولات بزرگی در ایران قبل از اسلام گردید.

گریستن سن می نویسد:

با اینکه روحانیون زردشتی بسیار متعصب بودند هیچ دیانتی را در داخل کشور تجویز نمی کردند لیکن این تعصب بیشتر مبنی بر علل سیاسی بود. یهودیان برای آئین زردشت و دولت ایران خطری محسوب نمی شدند هر چند اردشیر اول چندان روی خوشی به آنها نیز نشان نداد اما وضع عیسویان با آنها بسیار اختلاف داشت.<sup>۲۷</sup>

و بالاخره فریدریش ویلهلم نیچه در کتاب «چنین گفت زردشت» می نویسد:

زردشت گفت: باید دشمنان را بجوئید و جنگتان را برپا کنید جنگی به خاطر اندیشه هاتان و اگر اندیشه هاتان از پای درآید، درستی شما باید هنوز غریب و پیروزی برکشد، صلح را باید همچون افزار جنگهای تازه دوست بدارید و صلح کوتاه را از صلح دراز بیشتر. اندرزان نمی گویم که کار کنید (اندرزان گویم) که جنگ آورید، اندرزان نمی گویم که صلح کنید (اندرزان گویم) که پیروز شوید کارتان جنگ و صلحتان پیروزی... می گوئید آرمان نیک حتی جنگ را مقدس می کند. شما را می گویم جنگ نیک است که هر آرمانی را مقدس می کند.<sup>۲۸</sup>

از آنچه گفته شد بی پایگی ادعای بعضی از نویسندگان که مدعی شده اند در

.....

(۲۵) تاریخ یهود در ایران ص ۲۷.

(۲۶) دو اقلیت مذهبی در ایران نوشته دکتر محمدعلی تاج پور ص ۲۶۴.

(۲۷) تاریخ یهود در ایران جلد ۳ ص ۲۲۸.

(۲۸) ترجمه داریوش آشوری و اسماعیل خوئی، چاپ دوم، ۱۳۵۱، انتشارات نیل ص ۶۲.



ایران قبل از اسلام آزادی مذهبی و حقوقی اقلیتها وجود داشته است نیز روشن می‌گردد<sup>۲۹</sup>.

### اقلیتها در نزد یهود

دشمنی یهودیان با دیگر ملل و حتی خداپرستان، روشن تر از آن است که نیازمند به استدلال باشد چه اینکه اندک توجهی به تاریخ زندگی این قوم و درگیریهای آنان با مسیحیان و مسلمانان کافی است که این مطلب را به اثبات رساند. عجیب‌ترین است که یهودیان ملتی بوده‌اند که کمتر زمانی دارای قدرت قابل توجهی بوده و به تعبیر قرآن در طول تاریخ همراه با ذلت و مسکنت زیسته‌اند و به حکم روحیه پل پرستانه خویش از دیگر ملل بی‌مهری‌های زیادی نیز متحمل شده‌اند اما در عین حال هر گاه که به قدرت قابل توجهی رسیده‌اند، به جای اینکه زمینه ساز محبت دیگران نسبت به خویش بوده باشند، از هیچ‌گونه جنایتی دریغ ننموده‌اند.

جالب این است که قرآن کریم دشمنی این قوم با مسلمین را همراه با تحلیل فلسفی آن بازگو کرده است. در سوره مائده آیه ۸۲ چنین می‌خوانیم:

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ أَلْتَسَادَ عَدَاوَةِ لِّلَّذِينَ آمَنُوا إِلَيْهِمْ وَالَّذِينَ أَسْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةَ لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيْنَ وَرُهْبَانَا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ .

دشمن‌ترین مردم نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند، یهود و مشرکان را می‌یابی و مهربان‌ترین کسان نسبت به آنان که ایمان آورده‌اند کسانی را می‌یابی که می‌گویند: مانصرانی هستیم. زیرا بعضی از ایشان کشیشان و راهبان هستند و آنها سروری نمی‌جویند.

همانگونه که ملاحظه می‌شود قرآن کریم از یهودیان پیش از بت پرستان یاد نموده است و این ظاهراً بدان معنی است که یهودیان در درجه اول و مشرکان در درجه دوم از عداوت هستند! در حالی که به حکم اینکه هر دو ملت (یهود و مسلمان) دارای اعتقاد توحیدی و ایمان به معاد و لزوم بعثت و... هستند قهراً بایستی احساس دوستی بیشتری داشته باشند. و عامل این دشمنی همان است که ضد آن در گروه دیگری یعنی مسیحیت، عامل دوستی معرفی شده است و آن به دور بودن مسیحیان آن روز و بخصوص علمای حقیقی آنان از علاقه شدید به مال و قدرت دنیوی می‌باشد. بنابراین عامل دشمنی یهود و مشرکین نیز همانند دنیاپرستی و میل به قدرت و تکبر یا خود کم بینی می‌باشد.

قرآن کریم همچنین، ضمن یادآوری خیانت‌های این ملت نسبت به مسلمین به بخشی از کشتارهای یهودیان در دوران قدرتشان از مسیحیت اشاره نموده است که از جمله

.....

(۲۹) محمد باقر عطیه در پناهندگی سیاسی و آقای دکتر نصیری در کتاب حقوق بین الملل و...

موارد آن آیات ۴ به بعد از سوره «بروج» است که می‌فرماید: قَتَلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ النَّارِ ذَاتِ الْوُجُوْدِ - إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ - وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ - وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ.

مرگ بر صاحبان گودالهای آتش که در اطراف آن نشسته بودند و بر جنایتی که نسبت به مؤمنین به خدا (مسیحیان نجران) می‌رفت شاهد بودند. اینان بهانه‌ای برای انتقام و ظلم به مؤمنین نداشتند بجز اینکه به خدای عزیز حمید ایمان آورده بودند!!!

داستانی که در این سوره شریفه مورد توجه قرار گرفته به گفته بسیاری از مفسرین متعلق به نصاری نجران و کشتاربی رحمانه ذونواس یهودی (پادشاه یمن) از آنان، به تحریک یهودیان می‌باشد.

اجمال این حکایت چنین است: در جزیره العرب پیش از اسلام گذشته از مذاهب و آراء مختلفی مانند مجوسی و مذهب مانی و ستاره پرستی و بت پرستی، گروهی از مسیحیان و یهودیان نیز می‌زیسته‌اند. مرکز یهودیان در مدینه و مرکز مسیحیان نجران (مرز فعلی عربستان و یمن) بوده است.

اتفاقاً ذونواس پادشاه یمن در اثر برخورد با اصحاب کنیسه، آئین یهود را می‌پذیرد و این فرصتی مغتنم برای یهودیان بشمار آید که از مسیحیان که در طول تاریخ با آنها رقابت داشته‌اند انتقام بگیرند.

بسیاری از مسیحیان نجران که حاضر به ترک عقیده الهی خویش نبودند همگی در آتش سوختند و لذا بعضی از آنان به ناچار شکایت به قیصر روم بردند و او نیز سرکوبی یهودیان را از نجاشی پادشاه حبشه خواست و نجاشی بوسیله ابرهه یهودیان را سرکوب کرد.

این روحیه ضعف توأم با کینه‌توزی و میل به قدرت در یهودیان موجب گردید که با همه لطف و فروتنی که پیامبر در برابر آنان داشت پس از بعثت و هجرت آن حضرت به مدینه، بر ضد اسلام با دشمنان این آئین همدست شوند و پیمان‌های مقدسی را که با پیامبر (ص) امضاء نموده بودند به تدریج یکی پس از دیگری نقض و نادیده بگیرند و بالتسلیحه در اثر همین خیانتها و پیمان شکنی‌ها ذلت و بدبختی زیادی را نیز متحمل گردیدند.

در کتاب «تاریخ یهود» جلد دوم به داستان درگیری دیگری از یهود با مسیحیان بر می‌خوریم. مؤلف این کتاب می‌نویسد:

در دوران خسرو پرویز هرقل می‌خواست با خسرو صلح نماید ولی خسرو آنرا رد کرد و یک سپاه از ارتش خسرو در همان سال از لبنان به طرف یهودیه سرازیر شد. مسرت یهودیان آسیای صغیر و یهودیه در این موقع حد نداشت زیرا ملاحظه

می‌کردند... لشگریان روم و مسیحیان که قرن‌ها به قتل و غارت آنها پرداخته‌اند شکست خورده‌اند و دیگر می‌گفتند، ساعت استقلال آنان فرا رسیده و از این رو داوطلبان یهودی برای جنگ و کشیدن انتقام از دشمنان دیرین آماده می‌گشتند. «بنیامین» که یکی از ثروتمندان یهودیه بود کلیه ثروت خود را برای مسلح نمودن یهودیان مصرف نمود... جوانان یهودی از هر طرف روی آوردند و بخصوص از شهرهای طبریّه و ناصره و... به طرف اورشلیم آمده تا پس از ۶ قرن پایتخت حضرت داود و سلیمان را از فرزندان بت پرستان (مسیحیان) که به صورت دیگر درآمد بودند، مسترد دارند. و در ژوئیه ۶۱۴ میلادی اورشلیم به تصرف قوای یهود درآمد از جمله یکی از کشیشان بزرگ کلیسای کوه سینا که از آنجا به طبریّه رفته بود موسوم به ابراهام گشته و از مدافعان جدی یهودیت گشت آنگاه نویسنده می‌افزاید: یهودیان که انتظار استقلال کامل را از طرف خسرو داشتند، به مقصود نرسیدند.<sup>۳۰</sup>

## ادامه دارد

(۳۰) تعصبات کور قومی یهود همراه با عقده‌های روحی و فرصت طلبی‌های کینه‌توزانه در طول تاریخ عکس‌العمل‌های شدیدی را از طرف پیروان دیگر مذاهب نسبت به یهودیان به دنبال داشته تا آنجا که این ابراز انزجار و نفرت در ادبیات ملل نیز راه یافته و برای خطرناک جلوه دادن یهودیان داستانها و رمانهایی به صورت واقعی یا خیالی تنظیم گردیده است که به عنوان نمونه نظر خوانندگان را به بخشی از گفتار نمایشنامه‌نویس بزرگ مسیحی (ویلیام شکسپیر) جلب می‌نمائیم.

شکسپیر در نمایشنامه‌ای تحت عنوان «تاجر ونیزی» بزرگترین هنر را در بزرگ جلوه دادن خطر یهود از خود نشان داده و بالطبع تشدید دشمنی هر چه بیشتر بین مسیحیت و یهود را موجب گردیده است. او آنچنان صحنه به بن بست رسیدن یک بازرگان مسیحی را در یک واقعه عشقی و تقاضای وام او از یک بازرگان یهودی و تعهد گرفتن تاجر یهودی بر اینکه اگر بازرگان ونیزی نتوانست وام خودش را در زمان معین بپردازد مرد یهودی حق داشته باشد که یک «رطل» از گوشت بدن بدهکار را به هر صورت و از هر کجا به عنوان قصاص جدا نماید و... و زشتکاریهای یهودی را در دادگاه «ونیزی» و سرانجام شوم او را عالی ترسیم نموده است که هر خواننده مسیحی و غیر مسیحی را نیز متأثر می‌سازد.

ناگفته نماند که شکسپیر اصل این داستان را از منابع ایرانی گرفته و همین داستان در کتاب سید نعمت‌الله جزایری (زهر الریبع) موجود است. این عکس‌العمل دانشمندان و راه یافتن موج انزجار از یهود به ادبیات ملل، اثر طبیعی رفتار ناهنجار خود یهودیان بوده است که امروزه ملاحظه میشود سازمان‌های بین‌المللی نیز از حل مشکل یهود عاجز آمده و متأسفانه این قوم از سرگذشت‌های ذلت بار گذشته و از خطرهای شوم آینده عبرت نمی‌گیرند و همچنان به عناد و لجاج خویش ادامه می‌دهند. در حقیقت فتنه کشتار یهودیان بوسیله «آیسمن» به دستور هیتلر نیز بازتابی از همین نفرت بود که نمایشنامه‌های شکسپیر و بسیاری دیگر آنرا تشدید نموده و بالنتیجه تصمیم به نابودی نهائی یهودیان گرفته شد.